

سخت‌گویی شرکت گاز در پی قطع صادرات گاز تر کم‌نستان به ایران:

## گاز ایران را قطع کردند و به تعطیلات رفتند!

صفحه ۲

دوشنبه ۱۲دی ۱۳۹۵ ■ ۲ربیع‌الثانی ۱۴۲۸ ■ ۲زاتویه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۶۴ ■ ۱۶صفحه ■ ۱۰۰تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

■ ۱۱۷۸سال ۲۵روز گذشت

معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران‌عنوان کرد

## انتقاد از تعطیل نشدن مدارس در وضعیت قرمز هوا

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2064 ■ Mon.Jan.02, 2017 ■ ISSN:2008-2886

یادداشت امروز

## بی‌تدبیری نوبرانه در حق وطن

■ حسین قدیانی ■

در دولت اعتدال شاهد انواع و اقسام بی‌تدبیری در شکایت از اصحاب قلم بوده‌ایم اما این یکی دیگر، وصف مجزایی می‌طلبد که «بهاد ریاست‌جمهوری» یعنی فی‌الواقع نخستین و مهم‌ترین نهاد زیر نظر شخص رئیس‌جمهور، ناظر بر انتشار یک یادداشت در «وطن‌امروز»، علاوه بر مدیرمسئول و نویسنده، از «صاحب امتیاز» هم شکایت کنند! و تازه، به این هم اکتفا نکنند! وسعت دهند دایره شکایت خود را به «سایر شرکا و معاونانی که در انتشار یادداشت، نقشی داشته‌اند»! من که گمانم بدترین و بزرگ‌ترین توهین به رئیس‌جمهور، همین نوع عجیب و غریب از شکایت است، آن هم از سوی «بهاد ریاست‌جمهوری» که واقعا خوب است نقش همان «بهاد» را برای «ریاست‌جمهوری» ایفا کند، نه آنکه متأثر از شکایت نوبرانه‌اش، این ظن را در اذهان آحاد جمهور برانگیزد که نکند این نهاد، به «داره آگاهی» تبدیل شده باشد! واقعا یعنی چه شکایت از صاحب امتیاز؟! روزنامه، «مدیرمسئول» دارد برای همین چیزها دیگر! و حالا کیرم، شکایت از صاحب امتیاز را یک جای دل‌مان بگذاریم؛ شکایت از «سایر شرکا و معاونانی که در انتشار یادداشت، نقشی داشته‌اند» دیگر چه صیغه‌ای است؟! و آیا این، وهن آن نهاد محترم نیست؟! و فی حد ذاته، مصداق درشت‌ترین توهین به رئیس‌جمهور نیست؟! آیا چون از متنی، یادداشتی، گزارشی، حالا هرچی، عصبانی شده‌ایم، باید همین‌طور بی‌منا و عاری از تدبیر، شکایت کنیم از صدر تا ذیل یک روزنامه؟! و مگر نه آن است که همه دست‌اندرکاران یک روزنامه، در حکم «سایر شرکا و معاونانی که در انتشار یادداشت، نقشی داشته‌اند» هستند؟! شگفتا! ظاهرا باید به جای توصیه به برنامه انتخاباتی دکتر روحانی است! آیا شایسته است دولتی که با وعده ایجاد شغل و افزایش درآمد و رفع دغدغه‌های اقتصادی مردم روی کار آمد در سال آخر قدرت با ارائه سسندی بی‌سر و ته به نام «نشور حقوق شهروندی» بی‌مسئولیتی در پیش گیرد و برای دوره دوم تکیه زدن بر اریکه قدرت آماده شود؟

■ تقییر تر شده‌ایم

بدهی خارجی کشور به علت پیش‌خریدهای لوکس در دولت آقای روحانی افزایش یافته است. این یعنی هر ایرانی درآمد سالانه محقق نشده آینده را که بخش عمده آن نیز حاصل فروش نفت تحریمی است، به حکم دولت، پیش‌خور کرده و نسبت به گذشته- چه قدرت محاسبه داشته باشد و چه ناتوان از محاسبات اقتصادی باشد- «فقیرتر» شده است. رقبای روحانی در انتخابات پیش رو خوب می‌دانند که مواجهه با چنین میراث بدخیمی خود یکی از چالش‌های جدی است! چرا که پس از رکود کینزی، تورم در پیش است و به واسطه اضافه شدن سهم استقرار ملی و کاهش ارزش پول ملی، اژدهای اقتصادی مذکور هولناک‌تر نیز می‌شود. با این احتساب وقت آن رسیده که رویه «انصراف از مسؤولیت» را به صورت جدی مورد کنکاش قرار دهیم.

این مساله کوچکی نیست که دولت پس از ۳سال حواله دادن مشکلات به گردن دولت قبل برعه عجز را با بزرگان هماهنگ کردیم. آن از اعلام چیز را شش برداخت پاران، آن از حذف معلوم نیست با چه مکانیزم پاران‌بگیران، آن از اعلام جشن و سرور برای توافقی که مردم هیچ نمی‌دانند چسرا باید در ازای آن، پایکوبی خیابانی راه بیندازند، آن از دعوی ترکان با نعمت‌زاده، آن از دعوی نعمت‌زاده و زنگنه، آن از دعوای وزارت بهداشت و رفاه، آن از اعلام آمار رشد اقتصادی که هرگز به تایید جیب مردم نمی‌رسد، آن از شعار خواندن اعتراض مردم کورماشاه به بیکاری، آن از عدم پاسخ به نامه شجاعانه نهادهای شهری مبنی بر قبول مسؤولیت در میحث الودگی هوا، آن از عدم معرفی حتی یک مدیر نجومی به دستگاه فضا، آن از حمایت از این شانس‌بلندهای از مردم بهتران، آن از طعنه به دختر شهید مدافع حرم که نه پدر تو، بلکه توافقی ما، مسایه شوم جنگ را از سر این کشور برداشت، آن از برادرخواندن سعودی‌ها، در اوج فاجعه منا و آن‌همه قربانی بی‌گناه، آن از دریایی اهانت به اصحاب نقد، آن از نادیده گرفتن سخن متقن منتقدان که اینک صحت کلام‌شان بر همگان روشن شده...

مردم نمی‌رسد، آن از شعار خواندن اعتراض مردم کورماشاه به بیکاری، آن از عدم پاسخ به نامه شجاعانه نهادهای شهری مبنی بر قبول مسؤولیت در میحث الودگی هوا، آن از عدم معرفی حتی یک مدیر نجومی به دستگاه فضا، آن از حمایت از این شانس‌بلندهای از مردم بهتران، آن از طعنه به دختر شهید مدافع حرم که نه پدر تو، بلکه توافقی ما، مسایه شوم جنگ را از سر این کشور برداشت، آن از برادرخواندن سعودی‌ها، در اوج فاجعه منا و آن‌همه قربانی بی‌گناه، آن از دریایی اهانت به اصحاب نقد، آن از نادیده گرفتن سخن متقن منتقدان که اینک صحت کلام‌شان بر همگان روشن شده...
**ادامه در صفحه ۵**

۳۹ کشته و ۶۹ زخمی در حمله ترور یستی شب سال نو میلادی به یک کلوب شبانه در بخش اروپایی ترکیه

# بازار شام در استانبول

ناتو: ۲۰۱۷ فاجعه‌بار خواهد بود



صفحه ۱۵

مسؤولیت‌پذیری سیاسی نیاز امروز و فردا

### عملیات روانی به جای پذیرش اشتباه!

سخت، پیش از اجرای آن «همه‌پرسی ملی» برگزار شد. اما در دوره مناظرات انتخاباتی حسن روحانی و تیمش نه‌تنها اشاره‌ای به «اقتصاد نوکینزی» و رکود و تورم سرسام‌آور ناشی از آن نکردند بلکه با ارائه وعده‌های غیرمسؤولانه اقتصادی به ملت قول «گشایش ۱۰۰ روزه» ارائه کردند. حتی ایشان در بحث پاران‌ها با تحقیر طرح مذکور اعلام کردند به حدی ملت را از منظر اقتصادی بهره‌مند خواهند کرد که اصلا نیازی به پاران‌ها نباشد! سوال این است که آیا با اجرای سیاست ریاضت اقتصادی در هیچ کجای جهان گشایش ایجاد شده است؟ آیا غیر از این است که اکنون همه متخصصان در انتظار وقوع «تورم افسارگسیخته» به دنبال رکود بلندمدت حاصل از اجرای برنامه‌های تاریخ مصرف گذشته «نوکینزی» در کشورمان هستند؟

آیا دکتر روحانی در دوره جدید به شرط شرکت در انتخابات، به مردم از «تورم پیش‌رو» و علت بی‌اعتباری برنامه‌های اقتصادی وعده داده شده در ۳ سال قبل توضیح خواهند داد؟

■ از لیبرال تا اصولگرا

تاریخ گواهی می‌دهد عالی‌ترین مقام اجرایی کشور چه در دوره‌های متعدد قدرت گرفتن لیبرال‌ها و چه در دوره محدود مدیریت اصولگرایان، مسؤولیت مهم‌ترین موضوعات پیش روی ملت در حوزه‌هایی همچون اقتصاد، آسیب‌های اجتماعی، سیاست خارجی و معضلات فرهنگی را عهده‌دار نشده است. ساده‌ترین شکلی که اکنون پس از ۴۰ سال تجربه دموکراسی عینیت پیدا کرده، غدرخواهی و استغفای مدیرعامل راه‌آهن به دنبال بروز سانحه مرگبار قطار هفت‌خون آن هم برای نجات «آقای وزیر» است!

مد روز‌گار تا به حال چنین بوده که وعده‌های بزرگی در قالب دفترچه‌هایی خیالی به ملت عرضه شده و دست آخر نیز در پایان دوره ریاست، محاسبه منطقی پیرامون آنچه محقق شد و مواردی که به دلایل متنوع ذیل تعهدات برآورده نشده به تاریخ پیوست، صورت نگرفته است. در مقابل، همه دولت‌های پس از انقلاب در پایان دوره در مقابل کارنامه خود ژست «پوزسیونی» گرفته‌اند تا از پذیرش مسؤولیت شانه خالی کنند. چه کسی مسؤول آسیب‌های اجتماعی است؟ دولت قبل! مسکن‌مهر چرا به سرانجام نمی‌رسد؟ چون مزخرف است! خانه کی ارزان می‌شود؟ بعد از برجام چرا بعد از برجام دلار و مسکن و

**روزنه**
**دکتر زهرا طباحی:** سال ۸۰،

زمانی که دوره اول دولت اصلاحات به پایان رسید رئیس دولت کابینه‌اش جز مشتی شعار پیرامون جامعه مدنی و وعده «آزادی»(!) کارنامه ملموسی در حوزه خدمت‌رسانی به روستاها و شهرها و عمران و آبادانی کشور یا تجهیز زیرساخت جنگ‌زده کشور در چپته نداشتند. میانگین سنی ایرانیان بسیار جوان بود و هیجان آنچه وعده داده شده بود در چشم نوجوانان و گروه‌هایی از جوانان موج می‌زد اما میانسالان و جوانانی که به سن اشتغال و ازدواج رسیده بودند از رئیس دولت اصلاحات برای رای در دوره جدید کارنامه جدی می‌خواستند. در همین فضای غیرقابل پیش‌بینی بود که مرد عبا شکلاتی به توصیه فرماندهان عملیات روانی، مقابل دوربین‌ها ظاهر شد. صحبت‌ها را خیلی جدی آغاز کرد و پس از چند جمله دستمال سفیدی از جیب بیرون آورد و در حالی که «شک» می‌ریخت گفت: «می‌خواستم کار کنم... اما نگذاشتند»

■ مسؤولیت‌محرمانه

«مسؤولیت‌پذیری سیاسی» در جامعه جوان ایرانی از منظر تاریخ تجربه دموکراسی، به اندازه عمر ۴۰ ساله انقلاب اسلامی، شاخصه‌ای است که به ندرت از جانب آحاد مردم لمس شده است. به احتمال زیاد میل شدید به «محرمانه» ساختن انواع و اقسام قراردادها و تعهدات و توافقات ملی نیز نشأت‌گرفته از روحیه مسؤولیت‌ناپذیری دست‌کم گروهی از مدیران ایرانی است. مثلا در حوزه نفت‌وگاز وزیر حاضر در چندین کابینه، علاقه ندارد مسؤولیت قراردادهای پرمفنده اقتصادی را که به واسطه آن کل ملت ایران متضرر شده‌اند، بپذیرد! در بخش سیاست خارجی نیز مسؤول مذاکرات ترجیح می‌دهد «محرمانه» از نمایندگان مجلس بابت اعتماد به وزیر خارجه دشمن در کابینه‌ای با عمر بسیار محدود، غدرخواهی کند و بابت این پوزش‌طلبی «محرمانه» تکذیب شده نیز کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی خود را موظف می‌داند از متخلف معذور «تشکر» کند!

■ برنامه‌محرمانه

وضعیت عجیبی بر «دموکراسی ایرانی» حاکم است! دولت‌ها از ابتدا می‌کوشند در اعلام سیاست‌ها نیز «محرمانه» عمل کنند تا امکان کارشناسی اقدامات‌شان در وهله اول برای نتجبان و سپس آحاد ملت میسر نباشد. مثلا دولت دکتر روحانی از ابتدا برنامه «ریاضت اقتصادی» نوکینزی‌ها را به مرحله اجرا گذاشت که در اروپا در کشورهایی همچون یونان و ایتالیا به سبب مواجهه جامعه با بحران‌های اقتصادی

**تیتیرهای امروز**

ادامه رفتارهای زنده سفار تخانه‌های اروپایی با مراجعه‌کنندگان ایرانی و انفعال وزارت امور خارجه

## توهین در خاک خودمان؟

■ سؤال نمایندگان مجلس از ظریف به خاطر حمایت او از ۲ دیپلمات خاطی انگلیسی و فرانسوی!

صفحه ۲

تکذیب اتهامات فساد توسط رئیس‌جمهور معلق کره‌جنوبی

### پارک دبه کرد

صفحه ۱۵

رئیس سازمان بازرسی کل کشور:

## مدیران دو تابعیتی به مراجع قضایی معرفی می‌شوند

صفحه ۲

عضو هیات تحقیق و تفحص از صندوق فرهنگیان:

## وام‌های ۱۰۰۰ میلیاردی را پس نمی‌دهند!

صفحه ۴

## تأکید استانداری بر عقیم‌سازی کارت‌ن خواب‌ها

صفحه ۴

**نگاه‌امروز**

فشار از پایین، چانه‌زنی در بالا

### نتیجه انگلی زیستن خواری است!

**امیر استکی:** این تاکتیک سیاسی که با افزایش فشار در لایه‌های پایینی و کمتر قابل کنترل و صلابته بسیار پراهمیت یک نظام سیاسی، می‌شود گزینه‌های زیادی برای مراحل چانه‌زنی، سطوح بالا ایجاد کرد، سال‌ها در دوره اصلاحات به عنوان تاکتیکی مؤثر به‌کار گرفته می‌شد. تاکتیک و روشی که به نظر قدمت زیادی نداشته باشد و در جای جای تاریخ نمونه‌های آن به چشم می‌خورد. بسیار در تاریخ خوانده‌ایم که جماعتی مهاجم برای وادار کردن ملتی به تسلیم و شکست دادن آنها، قسمتی از آنها را به بند می‌کشید‌اند یا شروع به قتل و کشتار زنان و کودکان برای در هم شکستن مقاومت مردان می‌کرد‌اند. هدف آشکارا در اینگونه موارد بیشمار تاریخی شکستن اراده حریف از راهی جز جنگ رو در روی نظامی بوده است. ایجاد نوعی فشار و وادار کردن حریف به پذیرفتن آنچه خواست کشتار‌کنندگان است. حتی اگر این‌خواسته تلوپحا نابودی کامل آنان نیز باشد، از میان بسیاری از این دست موارد در تاریخ، به یک مورد که در روز‌گار تسخیر آمریکا توسط انگلیس‌ها اتفاق افتاد اشاره می‌کنیم و این انتخاب نیز از آن روستا که بنییم اسلاف آمریکایی‌های کنونی چگونه یک قاره عظیم را زیر یوغ خود کشیدند و هنوز هم چگونه بر همان مینا با دیگر ملت‌های جهان معامله می‌کنند.

«... و به این صورت جنگ با قبیله «پکوت» آغاز شد. از هر دو طرف کشتار وسیعی صورت گرفت. انگلیس‌ها یک تاکتیک جنگی که قبل از آن کورتس و بعدها، به‌طور سیستماتیک در قرن ۲۰ مورد استفاده قرار گرفت، به‌کار بردند و آن حمله حساب‌شده به مردم غیرنظامی بود تا ترس و رعب در دل دشمن ایجاد کند. فرانسیس جینیگز، تاریخدان زادنشانس، حمله کاپیتان جان میسون به یک دهکده متعلق به قبیله پکوت را اینطور تعریف می‌کند: میسون پیشنهاد کرد باید حتی‌الامکان از حمله به جنگجویان پکوت احتراز کرد، این کار بیش از حد توان واحد نظامی بی‌تجربه و نامطمئن او بود. هدف اصلی وی جنگیدن نبود. جنگ، امکانی برای تخریب اراده دشمن بود ولی با کشتار نیز ممکن بود با ریسک کمتر به همان هدف رسید و میسون تصمیم به کشتار گرفت.

ادامه در صفحه ۵